

شخصیت و صفات خدا

درس اول:

پروردگار خدای نیکوست . محدودیت افکار ما مانع می شود که عظمت و نیکویی او را کاملاً درک کنیم . اگر ما بپرسیم خدا چه شکلی است ؟ و منظورمان این باشد که خود خدا چگونه است، هیچ جوابی دریافت نمی کنیم . اگر منظورمان اینست که خداوند در مورد خودش چه چیزی آشکار میکند که ما بتوانیم آنرا با فروتنی بپذیریم، من فکر میکنم که جواب کاملاً قانع کننده ای وجود دارد . همزمان که نام او مقدس و ذاتش در اصل غیرقابل درک است، او در محبت بعضی حقایق را در مورد خود آشکار نموده است . می توان گفت که خداوند خود را به سه شکل آشکار می سازد . آدم میتواند صفات ذاتی او را در پسرش عیسی مسیح و در کلام مکتوب انجیل (کتاب مقدس) ببینیم . به بعضی از آن صفات نگاه میکنیم . آنها حقایق در مورد اوست ولی همه چیز در مورد او نیست .

حزقیال ۱: ۲۸ و ۲۶: ۱

۲۶- بر فراز صفحه بالای سرشان، چیزی شبیه به يك تخت سلطنتی زیبا قرار داشت که گویی از یاقوت کبود ساخته شده بود و بر روی آن تخت، وجودی نشسته بود که به يك انسان شباهت داشت .
۲۷- از کمر به بالای او مثل فلزی غوطه ور در آتش می درخشید، و از کمر به پایین، مانند شعله های آتش تابان بود. دورتادورش رانیز نوری درخشان فرا گرفته بود که همه رنگهای رنگین کمان در آن دیده می شد.
۲۸- حضور پر جلال خداوند بدینگونه بر من ظاهر شد. هنگامیکه آن منظره را دیدم، به خاک افتادم . آنگاه صدای کسی را شنیدم که بامن سخن می گفت .

- ۱- او به من گفت : « ای انسان خاکی، برخیز و بایست تابا تو سخن گویم .»
- ۲- هنگامیکه او با من تکلم می کرد ، روح خدا داخل من شد و مرا بر خیزاند . آنگاه آن صدرا باز شنیدم،

مکاشفه ۱۸-۱۰: ۱

- ۱۰- روزی، در روز خداوند، در حال عبادت بودم که روح خدا مرا فرو گرفت. ناگهان از پشت سر خود، صدایی بلند همچون صدای شیپور شنیدم،
- ۱۱- که می گفت: « من الف و یا هستم. من ابتدا و انتها هستم. هر چه می بینی، در نامه ای بنویس و آن را برای هفت کلیسا بفرست، یعنی برای کلیساهای افسس، از میر، پرغامه، طیاتیرا، سارد، فیلا دلفیه و لائودیکیه.»
- ۱۲- هنگامیکه برگشتم تا کسی را که با من سخن میگفت ببینم، در پشت سر خود هفت شمعدان طلا دیدم.
- ۱۳- در میان شمعدانها، انسانی دیدم شبیه عیسی مسیح که ردایی بلند بر تن داشت و کمر بندی طلایی دور سینه اش بود.
- ۱۴- سر و موی او سفید بود چون برف و پشم، و چشمانش تیز و نافذ بود همچون شعله های آتش.
- ۱۵- پاهای او میدرخشید، مانند مسی که در آتش صیقل داده باشند. صدای او مثل آبشار طنین افکن بود.
- ۱۶- در دست راست او، هفت ستاره بود، و شمشیر دو دم تیزی هم در دهانش قرار داشت. صورت او همچون خورشید نیمروز می درخشید.
- ۱۷- وقتی چشمم به او افتاد، مانند مرده جلو پای او افتادم. اما او دست راست خود را بر من گذاشت و فرمود: « نترس! من ابتدا و انتها هستم! من زنده بودم و مردم،»
- ۱۸- و حال تا به ابد زنده ام، و کلیدهای مرگ و عالم مردگان را در دست دارم.

خداوند بعضی از حقایق، صفات و شخصیت خود را در کلام خود آشکار می نماید. خیلی از این جنبه های خدا را ما نمیتوانیم با طرز فکر خودمان درک کنیم. بنابر این خداوند تصاویری استفاده می کند که شبیه چیزی باشد که ما میشناسیم، مثل **حزقیال ۲۶: ۱**

۲۶ بر فراز صفحه بالای سرشان، چیزی شبیه به يك تخت سلطنتی زیبا قرار داشت که گویی از یاقوت کبود ساخته شده بود و بر روی آن تخت، وجودی نشسته بود که به يك انسان شباهت داشت.

اینها حقایقی در مورد اوست ولی همه چیز در مورد او نیست. خداوند شگفت انگیز، خارق العاده و عالی است و هیچکس مثل او نیست. وقتی که ما بیشتر و بیشتر نیکویی خدا را ببینیم و تصویر درستی از او داشته باشیم، ایمان، اطمینان و ستایش ما منعکس این تصویر خواهد بود. اساس کاری که خدا در ایران می خواهد انجام دهد، مسیحیان زنده ای است با فهم درستی که خدا کیست! وقتی من و تو ببینیم خدا چقدر نیکو و پر قدرت است، ایمان ما رشد میکند و خدا میتواند از طریق ما ایران را تغییر مثبت دهد.

«ایمان بیاور (داشته باش) به خدا. عیسی مسیح درباره کسیکه بخدا ایمان دارد می گوید»

مرقس ۲۴-۲۲: ۱۱

۲۳ و ۲۲- عیسی گفت: « این که میگویم عین حقیقت است: اگر بخدا ایمان داشته باشید، میتوانید به این کوه زیتون بگویید که بر خیزد و در دریا بیفتد، و فرمان شما را بی چون و چرا اطاعت خواهد کرد. فقط کافی است که به آنچه میگویید واقعاً ایمان داشته باشید و شك بخود راه ندهید.»
۲۴- خوب گوش کنید: اگر ایمان داشته باشید، هر چه در دعا بخواهید خدا به شما خواهد داد. زمانیکه ما یاد میگیریم خداوند را بشناسیم، ایمان ما به او بیشتر و بیشتر رشد میکند و می بینیم او واقعاً کیست. این نوع ایمان تو به خدا، تو و تمام آینده ات و ملت ترا تغییر خواهد داد.

ارمیا ۳۹: ۳۸-۳۹

خداوند میگوید:

۳۸- من پادشاه و بزرگان عیلام را از بین خواهم برد و تخت سلطنت خود را در آنجا بر قرار خواهم نمود.
۳۹- ولی در آینده، عیلام را دوباره کامیاب خواهم ساخت."

۱. « قبل (بیش) از هر چیز دیگر خدا محبت است.»

اول یوحنا ۸: ۴

۸- اما کسی که محبت نمی کند، خدا رانمی شناسد، زیرا خدا محبت است. او محبت است. او سعی نمیکند با محبت باشد. او محبت است. تمام ذاتش، وجودش، شخصیتش و صفاتش محبت است.

یوحنا ۱۶: ۳

۱۶- زیرا خدا بقدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد.
و آیه ی ۱۷ میگوید

خدا فرزند خود را فرستاده است نه برای اینکه مردم را محکوم کند بلکه بوسیله او نجاتشان دهد.
به زبان یونانی که زبان اصلی عهد جدید می باشد کلمه های مختلفی برای محبت بکار برده شده است. وقتی در مورد محبت الهی صحبت می شود، کلمه آگاه بکار برده شده برای محبت معنای این کلمه اینست: «آدم کسی را دوست دارد بدون اینکه طرف مقابل شایستگی یا لیاقت آن را داشته باشد. يك محبت یکطرفه که از پدر آسمانی می آید(داده می شود) قبل از اینکه ما به آن جواب دهیم.» وقتی ما نجات پیدا می کنیم و این محبت را می پذیریم، این رابطه با محبت دو طرفه میشود. محبت ما برای او، هیچ جنبه های تاریک و سوژه های مخفی وجود ندارد که بخواهد چیز دیگری بغیر از محبت را آشکار نماید. او الماس اصل است، تمام و کمال اصل. آیه های دیگری در مورد محبت الهی :

امثال ۱۷: ۸ یوحنا ۱: ۳، ۱۳: ۳۴، ۱۵: ۹-۱۲، ۱۶: ۲۷، ۱۷: ۲۲-۲۶، صفتیا ۱۷: ۳، ارمیا ۳: ۳۱
رومیان ۵: ۵ و ۸-۹ و ۳۵ و ۳۹ دوم قرن نیاں ۱۱: ۳، ۱۴: ۵ افسسیان ۵: ۶-۵، ۱: ۱۹، ۳: ۲، ۵: ۲۳، ۶: ۲
دوم تسالونیکیان ۳: ۵ اول یوحنا ۵: ۲، ۱۰: ۳، ۱۳: ۴، ۲۱: ۴، مکاشفه ۵: ۱ و ۲-۱۹: ۳

حالا می خواهیم با هم به هفت صفات و ذات دیگر خدا نگاه کنیم که بما تصویری از چگونگی خداوند میدهد.

« وجود خدا »

۲ .

خدا ابتدایی ندارد. فقط چیز های آفریده شده می توانند ابتدا داشته باشند. خدا خود به خود و در خود وجود دارد، درحالیکه ابتدای همه چیز باید از چیز دیگری باشد. برای ما غیر ممکن است که تصور کنیم که خدا ابتدایی ندارد.

خروج ۳:۱۴

۱۴ - خدا فرمود «هستم آنکه هستم! به ایشان بگو هستم» مرا نزد شما فرستاده است.

« خداوند خودبخود وجود دارد و بی نیازست.»

۳ .

یوحنا ۵:۲

۲۶- چون همانطور که پدرم خدا سرچشمه زندگی است، به من نیز که فرزند او هستم همین مقام را داده است.

خداوند نیاز به چیزی یا کسی ندارد. اگر او این احتیاج را داشت نا کامل بود و ما او را ستایش نمی کردیم. خدا بما احتیاج ندارد. ولی او ما را می جوید با اینکه بما احتیاج ندارد. زیرا خدا بقدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاد، یوحنا ۳:۱۶

از طرف دیگر ما به او احتیاج داریم چون بخاطر و از طریق اوست که ما زنده ایم و وجود داریم. او شامل همه چیز میشود، همه چیز از او داده شده است. ولی خود او نمیتواند چیزی را بپذیرد که خودش اول نداده است. مثل شکر، ستایش و محبت تصویری از خدا بعنوان خدای هول، عصبی و مشکوک به انسانها اشتباه است. خدا به هیچ مدافعی احتیاج ندارد. فکر کن خدایی که به هیچ چیز و یا هیچکس نیاز ندارد، خودمختارانه اجازه داده است که از طریق فرزندانش که به او ایمان دارند و مطیع او هستند عمل کند. این پربرکت و ضد و نقیض است. (افکار ما به افکار خدا نمیرسد و بعضی مواقع او بر ایمان سوء تفاهم میشود.)

فیلیپیان ۲:۱۳

۱۳- زیرا خدا خودش در وجود شما کار میکند تا بتوانید با میل و رغبت او را اطاعت نمایید و اعمالی را بجا آورید که مورد پسند اوست. خدا احتیاج ندارد که دوباره پرس شود و یا قدرت نو بدست آورد. او خسته نمیشود. او هر چقدر که بخواهی (ببناهایت) بدهد، بدون اینکه از او چیزی کم شود. او هرگز تمام نمیشود!

« خدا جاویدان است.»

۴ .

اشعیا ۴۰:۲۸

۲۸- آیا تا بحال ندانسته و نشنیده ای که خدای ابدی، خالق تمام دنیا هرگز درمانده و خسته نمی شود و هیچکس نمیتواند به عمق افکار او پی ببرد؟

مزامیر ۹۰:۴

- ۱- ای خداوند، تو همیشه پناهگاه ما بودی .
- ۲- قبل از آنکه دنیا را بیافرینی و کوهها را بوجود آوری، تو بوده ای ترا ابتدا و انتهای نیست.
- ۳- انسان را به خاک بر می گردانی و می گویی : « ای خاکیان، به خاک تبدیل شوید!»
- ۴- هزار سال در نظر تو چون يك روز، بلکه چون يك ساعت است.

مکاشفه ۸:۱

۸ - خدا می فرماید: « من الف و یا هستم. من ابتدا و انتها هستم. » این را خداوندی می فرماید که صاحب تمام قدرتهاست، و هست و بود و باز خواهد آمد.

« خدا کی بنیاد آمد؟ »

او همیشه وجود داشته است. او هرگز شروع بوجود داشتن نکرده است. او تا ابدیت زنده خواهد بود. او از ابدیت به ابدیت است. در آغاز آفرینش خدا زمان را خلق کرد. او هر چه خلق کرد در زمان قرار داد. بنابراین تمام آفرینش تحت تأثیر زمان است و به آن وابسته است. خدا خودش خارج از زمان است. او در زمان مؤثر است ولی تحت تأثیر آن نیست. بهمین خاطر برای خدا هزار سال مثل يك روز و يك روز مثل هزار سال است.

دوم پطروس ۹-۸:۳

۸- اما ای عزیزان، این حقیقت را فراموش نکنید که برای خدا يك روز یا هزار سال تفاوتی ندارد. ۹- بنابراین، مسیح در وعده بازگشت خود تأخیری بوجود نیاورده است، گرچه گاهی اینگونه بنظر میرسد. در واقع او صبر می کند و فرصت بیشتری میدهد تا گناهکاران توبه کنند، چون نمیخواهد کسی هلاک شود.

« خدا پایان ناپذیر و بی نهایت است. »

۵ .

او نا پایان و نامحدود است. درك این برای ما کاملاً غیرممکن است. افکار ما محدود است و ما قادر نیستیم که این را برای خودمان واقعی کنیم. خود کلمه پایان ناپذیر (بی نهایت) در معنی اصلی خود فقط در مورد خدا قابل استفاده است. همه چیز دیگر محدودیت خود را دارد. ما از این کلمه سوءاستفاده می کنیم و می گوئیم دریای بینهایت و شنهای پایان ناپذیر و غیره. ولی فقط خدا بینهایت است. بدین معنی خدا قابل اندازه گیری نیست. تمام اندازه ها محدودیت دارند: کیلومتر، کوچک، بزرگ. هیچکدام از این واحد ها رانمی شود برای خدا بکار برد. هر چیزی که خدا هست بدون رشد، افزایش، پیشرفت و کاهش است. خدا کمتر و بیشتر نیست بلکه او بینهایت است. او (هستم آنکه هستم) است. اگر ما سعی کنیم توانایی، قدرت، محبت و عظمت خدارا اندازه بگیریم، خدا را در يك قوطی می گذاریم و محدودش می کنیم. ما سعی می کنیم زندگی و نیروی او را اندازه بگیریم. ولی خدا از قوطی ها ی ما بزرگتر است، بزرگتر از درك و فهم ما. فکر کن که او کهکشان را با کلام خود آفرید

اشعیا ۲-۱:۶۶

۱- خداوند می فرماید: « آسمان، تخت سلطنت من است و زمین، فرش زیر پای من! پس چه خانه ای میخواهید برای من بسازید، تا در آن ساکن شوم؟
۲- دست من تمام این هستی را آفریده است. من نزد کسی ساکن میشوم که فروتن و توبه کار است و از کلام من میترسد.
چون بینهایت صفت خداست، هر چیزی هم که از او میآید بی نهایت است. ولی آفرینش او محدود است. (من وتو، طبیعت و غیره) پس ما چطور میتوانیم شريك صفات نا محدود او شویم؟ جواب این سؤال در عیسی مسیح است:

افسیسیان ۳:۱

۳ - چقدر باید خدارا شکر کنیم، خدایی که پدر خداوند ما عیسی مسیح است، و همه برکات آسمانی را بـ ما ارزانی داشته، به این دلیل که ما از آن مسیح هستیم.
توسط عیسی مسیح ما تمام برکات ملکوت آسمانی را بینهایت دریافت می کنیم. برکات بینهایتی که ما دریافت می کنیم:

بخشش: متی ۲۱-۳۴-۱۸

لطف: افسسیان ۱۰-۴-۲

مهربانی (دلسوزی): افسسیان ۴:۲ اول پطرس ۳:۱

امانت (امین بودن): مزامیر ۱۰۰

محبت: رومیان ۷:۵

نیرو: اشعیا ۳۱-۲۹-۴۰

قدرت: مزامیر ۱۱:۲۹

پیروزی: اول یوحنا ۴:۵

برکت: مزامیر ۵-۴-۲۴

ما تمام این لیست را نا محدودانه دریافت می کنیم از خدایی که بی نهایت است.

او هیچ مشکلی با محدودیت ما ندارد. ولی من و تو اغلب خود را محدود احساس می کنیم در نقاط مختلف زندگی. بسیاری از مردان و زنان بزرگ انجیل هم همین احساس را داشتند. مثلاً ابراهیم. خدا به او گفت: «من تو را پدر قومهای بسیار می سازم.» تنها مشکل این بود که ابراهیم و همسرش سارا نمی توانستند بچه دار شوند. در ضمن آنان حدوداً صد سال داشتند. ولی ابراهیم به محدودیت خود توجه نمی کرد بلکه ایمان داشت که خدا قادر است معجزه کند. با اینکه از قول خدا در مورد دریافت پسر زمانی گذشته بود، ابراهیم با اینحال امیدوار بود، با اینکه هر روز که می گذشت این قول غیر ممکن تر بنظر میرسید.

رومیان ۲۱-۱۷: ۴

۱۷- کتاب آسمانی می فرماید: «خدا ابراهیم را پدر اقوام بسیاری ساخته است.» معنی این آیه اینست که خدا هر کسی را که مانند ابراهیم به خدا ایمان داشته باشد، از هر قومی نیز که باشد، به حضور خود می پذیرد. این قول خود خداست، خدایی که مرده ها را زنده میکند و به دستور او موجودات از نیستی به هستی می آیند. ۱۸- بنابراین، زمانی که خدا به ابراهیم فرمود که به او پسری خواهد بخشید و از نسل او اقوام بسیاری بوجود خواهند آمد، ابراهیم به وعده خدا ایمان آورد، اگرچه چنین امری عملاً محال بود. ۱۹- زیرا در آن زمان ابراهیم صد سال داشت و همسرش سارا نود سال، و هیچیک قادر نبودند صاحب فرزند شوند. باوجوداین، چون ایمان ابراهیم قوی بود، به وعده خدا شك نکرد. ۲۰- بلی، او هیچگاه شك ننمود. او به خدا ایمان داشت و ایمانش روز بروز قوی تر میشد، و حتی قبل از اینکه خدا به وعده اش عمل کند، او را سپاس میگفت، ۲۱- زیرا یقین داشت که خدا قادر است به همه وعده های خود عمل کند. در هر نقطه ای از زندگی ات که تو احساس ضعف و کمبود کنی، خدا می تواند با درک بی نهایت خودش بیاری تو بیاید اگر به او اجازه دهی که سر چشمه و منشاء تو باشد.

۶. «خدا تغییر ناپذیر است.»

یعقوب: ۱۷: ۱

۱۷- از جانب خدا فقط مواهب نیکو و کامل به ما میرسد، زیرا او آفریننده همه روشنایی هاست و خدایی است تغییر ناپذیر.

عبرانیان ۸: ۱۳

۸- عیسی مسیح امروز نیز همان است که دیروز بود و هرگز تغییر نخواهد کرد.

خداوند هستم آنکه هستم هست و همانی که همیشه بوده است. او هرگز چیز جدیدی یاد نگرفته است. او هرگز پخته نمیشود و هرگز رشد نمیکند. رشد یعنی تغییر. ما تغییر میکنیم ولی خدا نه. او نمی تواند چیزی شود که در ابدیت بوده است. هر چیزی که خدا هست تغییر ناپذیر است. اگر خدا دیروز بتو محبت نشان داد، امروز و فردا هم همانطور است. خلق و خوی او تغییر نمی یابد. نه، او همیشه یکطور است.

اعداد ۱۹: ۲۳

۱۹- خدا انسان نیست که دروغ بگوید، او مثل انسان نیست که تغییر فکر دهد. آیا تاکنون وعده ای داده است که بدان عمل کرده باشد؟

۷. « خدا همه دان (دانای همه چیز) است. (خدا همه چیز را میداند.) »

اشعیا ۲۸-۱۴-۱۳: ۴۰

- ۱۳- آیا کسی میتواند خدا را پند دهد یا معلم و مشاور او باشد؟
- ۱۴- آیا او تا بحال بدیگران محتاج بوده است که باو حکمت و دانش بیاموزند و راه راست را باو یاد دهند؟
- ۲۸- آیا تا بحال ندانسته و نشنیده ای که خدای ابدی، خالق تمام دنیا هرگز در مانده و خسته نمیشود و هیچکس نمیتواند به عمق افکار او پی ببرد؟

رومیان ۳۶-۳۴: ۱۱

- ۳۴- کیست که بتواند فکر خدا را درك کند؟ چه کسی آنقدر داناست که بتواند مشورتی به خدا بدهد و یا او را راهنمایی کند؟
- ۳۵- چه کسی میتواند هدیه ای باو تقدیم نماید که قابل او باشد و از او انتظار عوض داشته باشد؟
- ۳۶- هر چه هست از خداست؛ وجود همه چیز به قدرت او وابسته است و همه چیز برای شکوه و جلال اوست. ستایش بی پایان بر او باد!

مزامیر ۱-۶: ۱۳۶

- ۱- ای خداوند، تو مرا آزموده و شناخته ای.
- ۲- تو از نشستن و برخاستن من آگاهی. فکرهای من از تو پوشیده نیست.
- ۳- تو کار کردن و خوابیدن مرا زیر نظر داری و از همه راه ها و روشهای من با خبر هستی.
- ۴- حتی پیش از آنکه سخنی بر زبان آورم تو آنرا میدانی.
- ۵- مرا از هر سو احاطه کرده ای و با دست خود مرا حفظ نموده ای.
- ۶- شناختی که تو از من داری بسیار عمیق است و من یارای درك آن را ندارم.

خداوند صاحب تمام دانش و حکمت است. فهم او نا محدود است. چون خدا تغییر پیدا نمیکند، چیز جدیدی یاد نمیگیرد. او همیشه در ابدیت واقف بوده، هست و خواهد بود. افکار و ذهن ما اینرا درك نمی کند. ولی توسط عیسی مسیح میتوانیم حکمت و دانش او را دریافت کنیم. بدین دلیل خدا قادر است هر کسی را که میخواهد انتخاب کند و از دانش، حکمت و نیروی خود باو بدهد تا ما بتوانیم کارهای عظیمی برای خدا انجام دهیم.

امثال ۱-۶: ۲

- ۱- ای پسر، اگر به سخنانم گوش بدهی و دستوراتم را اطاعت کنی،
- ۲- به حکمت گوش فرا دهی و طالب دانایی باشی،
- ۳- و اگر بدنبال فهم و بصیرت بگردی
- ۴- و آن را مانند نقره بطلبی تا به چنگ آری،
- ۵- آنگاه خدا را خواهی شناخت و اهمیت خدا ترسی را خواهی آموخت.
- ۶- خداوند بخشنده حکمت است و سخنان دهان او به انسان فهم و دانش می بخشد.

۸. « خدا همزمان همه جاست. »

ارمیا ۲۴-۲۳: ۲۳

- ۲۳- من خدایی نیستم که فقط در یکجا باشم، بلکه در همه جا حاضر هستم؛
 - ۲۴- پس آیا کسی میتواند خود را از نظر من پنهان سازد؟ مگر نمیدانید که حضور من آسمان و زمین را فرا گرفته است؟
- خدا نزدیک تر است فرقی نمیکند که تو در ایران، اسرائیل، اروپا، در یک کلیسا در یک کشور آزاد و یا در کوره های تهران باشی. تو میتوانی وجود او را در تنهایی خود احساس کنی حتی اگر در زندان اوین باشی. او در قلب تو زندگی میکند و وقتی تو دعا میکنی حضور واقعی و فیزیکی او را احساس میکنی.

- ۱۶- و من از « پدرم » در خواست خواهم کرد تا پشتیبان و تسلی بخش دیگری به شما عطا نماید که همیشه با شما بماند.
- ۱۷- این پشتیبان و تسلی بخش همان روح پاک خداست که شما را با تمام حقایق آشنا خواهد کرد. مردم دنیا به او دسترسی ندارند، چون نه در جستجوی او هستند و نه او را میشناسند. ولی شما در جستجوی او هستید و او را میشناسید، چون او همیشه با شماست و در وجودتان خواهد بود.
- ۱۸- در طوفانهای زندگی، شما را یتیم و بی سرپرست نخواهم گذاشت و به کمک شما خواهم آمد.
- ۱۹- برای مدت کوتاهی از این دنیا خواهم رفت ولی حتی در آن هنگام نیز با شما خواهم بود، زیرا دوباره زنده خواهم شد و چون من زنده ام شما نیز خواهید زیست.
- ۲۰- وقتی زندگی را از سر گیرم، خواهید دانست که من در خدای پدر هستم و شما در من هستید و من در شما هستم.
- ۲۱- کسی مرا دوست دارد که هرچه میگویم اطاعت کند؛ و چون مرا دوست دارد، پدرم خدا نیز او را دوست خواهد داشت و من نیز او را دوست خواهم داشت و خود را به او نشان خواهم داد.
- ۲۲- یکی از شاگردان او به اسم یهوذا (البته نه یهوذای اسخریوطی) پرسید: « ای استاد، چرا خود را فقط به شاگردانتان نشان میدهید ولی به مردم دنیا نشان نمیدهید؟ »
- ۲۳- عیسی جواب داد: « من خود را فقط به کسانی نشان میدهم که مرا دوست دارند و هر چه میگویم اطاعت میکنند. پدرم خدا نیز ایشان را دوست دارد و ما نزد ایشان آمده، با ایشان زندگی خواهیم کرد.

درس دوم:

« نامهای خدا »

مزامیر ۲-۴: ۱۱۳

- ۲- نام او از حال تا به ابد ستوده شود.
- ۳- از طلوع آفتاب تا غروب آن، نام خداوند را ستایش کنید!
- ۴ - خداوند بر همه قومها حکمرانی میکند؛ شکوه او برتر از آسمانهاست.
- در زمان عهد قدیم در اسرائیل خیلی مهم بود که چه اسمی آدم به بچه خود می داد. ابرام یعنی پدر والا مقام. وقتی خدا در سن بالا به او قول يك پسر را داد، به او نام جدیدی داد. ابراهیم یعنی پدر تعداد بسیاری.

امثال ۱: ۲۲

- ۱- نیکنامی برتر از ثروت هنگفت است و محبوبیت گرانبها تر از طلا و نقره.

« در آن زمان آدم مواظب اسم خود بود. »

داود هم اینرا میدانست.

مزامیر ۱۱: ۲۵

- ۱۱- ای خداوند، گناه من بزرگ است، بخاطر نام خودت آن را بیامرز!

مزامیر ۳: ۲۳

- ۳- و جان مرا تازه میسازد. او بخاطر نام پر شکوه خود مرا براه راست رهبری می کند.

خدا در کلام خود، خود را بنامهای مختلف معرفی کرده است. تمام آن نامها ذات و صفات و شخصیت خدا هستند. او خیلی دقت دارد که بخود نامی ندهد که نتواند به آن عمل کند. خدا واقعاً همانی که میگوید است.

من هستم آنکه هستم.

اولین نامی که خداوند با آن خود را معرفی میکند، من هستم آنکه هستم است.

خروج ۱۵-۱: ۳

- ۱- روزی هنگامی که موسی مشغول چرانیدن گله پدر زن خود پترون، کاهن مدیان بود، گله را به آنسوی بیابان، بطرف کوه حوریب، معروف به کوه خدا راند.
 - ۲- ناگهان فرشته خداوند چون شعله آتش از میان بوته ای براو ظاهر شد. موسی دید که بوته شعله ور است، ولی نمی سوز.
 - ۳- با خود گفت: «عجیب است! چرا بوته نمیسوزد؟» پس نزدیک رفت تا علتش را بفهمد.
 - ۴- وقتی خداوند دید که موسی به بوته نزدیک می شود، از میان بوته ندا داد: «موسی! موسی» موسی جواب داد: بلی
 - ۵- خدا فرمود: «بیش از این نزدیک نشو! کشفهیت را از پای درآور، زیرا مکانی که در آن ایستاده ای، زمین مقدسی است.
 - ۶- من خدای اجداد تو ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستم. موسی روی خود را پوشاند، چون ترسید به خدا نگاه کند.
 - ۷- خداوند فرمود: «من رنج ومصیبت بندگان خود را در مصر دیدم وناله شان را برای رهایی از بردگی شنیدم.
 - ۸- حال، آمده ام تا آنها را از چنگ مصری ها آزاد کنم وایشانرا از مصر بیرون آورده، به سرزمین پهناور و حاصلخیزی که در آن شیر و عسل جاری است ببرم، سرزمینی که اینک قبایل کنعانی، حیئی، اموری، فرزی، حوی و بیبوسی در آن زندگی میکنند.
 - ۹- آری، ناله های بنی اسرائیل به گوش من رسیده است وظلمی که مصریها به ایشان میکنند، از نظر من پنهان نیست.
 - ۱۰- حال ترا نزد فرعون میفرستم تا قوم مرا از مصر بیرون آوری.
 - ۱۱- موسی گفت: «خدایا، من کیستم که نزد فرعون بروم وبنی اسرائیل را از مصر بیرون آورم؟»
 - ۱۲- خدا فرمود: «من با تو خواهم بود وقتی بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوری، در همین کوه مرا عبادت خواهید کرد. این نشانه ای خواهد بود که من ترا فرستاده ام.»
 - ۱۳- موسی عرض کرد: «اگر پیش بنی اسرائیل بروم وبه ایشان بگویم که خدای اجدادشان، مرا برای نجات ایشان فرستاده است، و آنها از من بپرسند: نام او چیست؟ به آنها چه جواب دهم؟»
 - ۱۴- خدا فرمود: «هستم آنکه هستم! به ایشان بگو 'هستم' مرا نزد شما فرستاده است.
 - ۱۵- بلی، به ایشان بگو: «خداوند' یعنی خدای اجداد شما، خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب مرا پیش شما فرستاده است. این نام جاویدان من است وتمام نسلها مرا به این نام خواهند شناخت.»
- میشود گفت که نام من هستم مثل نام کوچک ماست. که قبل از نام خانوادگی ماست. (من هستم) همچنین بدین معنی است که خدا در حال حاضرست. او امروز من هستم است. او امروز میخواهد بتو برکت دهد. او امروز نجات دهنده توست. امروز آینده و امید توست. در همه چیزی که خدا هست، همیشه آماده است که بلافاصله احتیاجات انسانها رارفع کند چون او (من هستم) است. در این نام کوچک خدا هفت تا نام مختلف دیگر وصل کرده است: آدم همانی است که نامش میگوید. در اینجا هفت تا نام دیگر می بینیم که خدا بخودش داده است که در هر کدام خدا جنبه های مختلف صفات، ذات و شخصیت خودرا نشان میدهد

خداوند عدالت ما

. ۱

ارمیا ۶-۵: ۲۳

۶و ۵- اینک روزی فرا خواهد رسید که من شخص عدلی را از نسل داود به پادشاهی منصوب خواهم نمود؛ و پادشاهی خواهد بود که با حکمت و عدالت حکومت کرده، در سراسر دنیا عدالت را اجرا خواهد نمود، و نام او «خداوند عدالت ما» خواهد بود. در آن زمان، یهودا نجات خواهد یافت و اسرائیل در صلح و آرامش زندگی خواهد کرد.

خداوند آرامش من

. ۲

داوران ۲۴: ۶

۲۴- جدعون در آنجا قربانگاهی برای خداوند ساخت و آنرا «خداوند آرامش است» نامید. (این قربانگاه هنوز در ملک عفره که متعلق به خاندان ابیعزر است، باقیست.)

کلمه آرامش یعنی استراحت، هارمونی (توازن)، نظم، امنیت، تکامل، کامل، تمام. تمام اینها را در عیسی که آرامش ماست داریم.

۳. خداوند حاضر است.

یوحنا ۲۰-۱۶: ۱۴

۱۶- و من از « پدرم » درخواست خواهم کرد تا پشتیبان و تسلی بخش دیگری به شما عطا نماید که همیشه با شما بماند.
۱۷- این پشتیبان و تسلی بخش همان روح پاک خداست که شما را با تمام حقایق آشنا خواهد کرد. مردم دنیا باو دسترسی ندارند، چون نه در جستجوی او هستند و نه او را می شناسند. ولی شما در جستجوی او هستید و او را میشناسید، چون او همیشه با شماست و در وجودتان خواهد بود.
۱۸- « در طوفانهای زندگی، شما را یتیم وبی سرپرست نخواهم گذاشت و به کمک شما خواهم آمد.
۱۹- برای مدت کوتاهی از این دنیا خواهم رفت ولی حتی در آن هنگام نیز با شما خواهم بود، زیرا دوباره زنده خواهم شد و چون من زنده ام شما نیز خواهید زیست.
۲۰- وقتی زندگی را از سر بگیرم، خواهید دانست که من در خدای پدر هستم و شما در من هستید و من نیز در شما هستم.

حزقیال ۳۵: ۴۸

۳۵- محیط شهر نه کیلو متر می باشد و نام آن « شهر خدا » است.

۴. خداوند شفا بخش (شفا دهنده ی) توست.

خروج ۲۶: ۱۵

۲۶- او فرمود: « اگر دستورات و احکام مرا که خداوند، خدای شما هستم اطاعت کنید و آنچه را که در نظر من پسندیده است بجا آورید، از تمام مرض های که مصریان را بدان دچار ساختم در امان خواهید ماند، زیرا من، خداوند، شفا دهنده شما هستم.»

اول پطروس ۲۵-۲۴: ۲

۲۴- او بر روی صلیب، بار گناهان ما را بردوش گرفت تا ما بتوانیم از چنگ گناه رهایی یافته، زندگی پاکى داشته باشیم. زخمهای او نیز دوی دردهای ما گردید.
۲۵- شما مانند گوسفندانی بودید که راهشانرا گم کرده اند. اما اکنون نزد شبانان باز گشته اید، شبانی که نگهبان جان شماست و شما را از خطرات حفظ میکند.
۵.

خداوند روزی دهنده توست.

پیدایش ۱۴: ۲۲

۱۴- ابراهیم آن مکان را « یهوه یری» (یعنی « خداوند تدارك ميبیند ») نامید که تا به امروز به همین نام معروف است.

فیلیپیان ۱۹: ۴

۱۹- خدا نیز به سبب جانبازی عیسی مسیح، تمام احتیاجات شما را با ثروت شکوهمند خود، رفع خواهد نمود.

۶.

خداوند پرچم پیروزی توست.

خروج ۱۷:۱۵

۱۵ - موسی در آن مکان يك قربانگاه ساخت و آنرا « بهوه نسی » (یعنی « خداوند پرچم پیروزی من است. » نامید.

افسیان ۱:۱۹

۱۹ - همچنین دعا میکنم تا درك کنید که قدرت خدا برای کمک به مؤمنین چقدر عظیم است.

۷.

خداوند شبان توست.

مزامیر ۳-۱:۲۳

- ۱- خداوند شبان من است؛ محتاج به هیچ چیز نخواهم بود.
 - ۲- در مرتعهای سبز مرا میخواباند، بسوی آبهای آرام هدایتم میکند.
 - ۳- وجان مرا تازه میسازد. او بخاطر نام پر شکوه خود مرا براه راست رهبری میکند.
- او صاحب است، متولد مینماید، پرورش میدهد، نگهداری میکند، حمایت می کند، پرستاری میکند، رهبری می کند، هدایت میکند و رویا دارد که گوسفندان جدید دنیا بیاورند. در تمام نامها، صفات و شخصیتها، خدا امروز بی نهایت، نامحدود، جاویدان و تغییر ناپذیر است.

درس سوم:

« زندگی عیسی مسیح بما نشان میدهد که پدر (آسمانی) کیست. »

زمانیکه عیسی بر روی زمین قدم بر میداشت در عمل آشکار می کرد که خدا کیست. عیسی می گوید: من و پدرم خدا یکی هستیم. (یوحنا ۱۰:۳۰) همانطوریکه عیسی عمل میکرد و تعلیم میداد، پدر ما، آن خدای زنده هم همانطور است. یکی از شاگردان مسیح، فیلیپ که سه سال روز و شب با عیسی بود اینرا درك نکرده بود.

او میگوید: « خداوند، پدر را بما نشان دهید که همین برای ما کافی است. » یوحنا ۸:۱۴

یوحنا ۹-۱۱:۱۴

- ۹- عیسی جواب داد: « فیلیپ، آیا بعد از تمام این مدتی که با شما بوده ام، هنوز هم نمیدانی من کیستم؟ هر که مرا ببیند، خدای پدر را دیده است. پس دیگر چرا میخواهی او را ببینی؟
 - ۱۰- آیا ایمان نداری که من در خدای پدر هستم و او در من است؟ سخنانی که میگویم، از خودم نیست بلکه از پدر من خداست که در من زندگی می کند؛ و اوست که این کارها را می کند.
 - ۱۱- فقط ایمان داشته باش که من در خدای پدر هستم و او در من است؛ وگرنه بخاطر این معجزات بزرگ که از من دیده ای، به من ایمان آور.
- حالا میخواهیم بیشتر بزندگی و خدمت مسیح در چهار انجیل متی، مرقس، لوقا، یوحنا بنگریم. بدین شکل تصویر درست ما از خدا بیشتر و بهتر رشد می کند.

متی ۵:۳۸

۳۸- فقط بگو: « بلی » یا « نه ». همین کافی است. اما اگر برای سخنی که میگوئی، قسم بخوری، نشان می دهی که نیرنگی در کار است.

« طرز فکر خدا وما در مورد دیگران »

متی ۵:۱-۷

- ۱- از کسی ایراد نگیرید تا از شما نیز ایراد نگیرند. زیرا هر طور که با دیگران رفتار کنید،
- ۲- همانگونه با شما رفتار خواهند کرد.
- ۳- چرا پر کاه را در چشم برادرت می بینی، اما تیر چوب را در چشم خودت نمی بینی؟
- ۴- چگونه جرأت می کنی بگویی: « اجازه بده پرکاه را از چشمت در آورم، درحالی که خودت چوبی در چشم داری؟ »
- ۵- ای متظاهر، نخست چوب را از چشم خود در آور تا بهتر بتوانی پرکاه را در چشم برادرت ببینی.

بلك قاعده خوب و درست: (متی ۱۲: ۷)

۱۲- پس آنچه میخواهید دیگران برای شما بکنند، شما همان را برای آنها بکنید. این است خلاصه تورات و کتب انبیاء.

« خدا میخواهد مریضان را شفا دهد »

متی ۶:۱-۱۱

- ۱- پس از آنکه عیسی این احکام را به شاگردانش داد، از آنجا به شهر های مجاور براه افتاد تا در آنجا نیز مردم را تعلیم دهد و مو عظه کند.
- ۲- وقتی یحیی پیغمبر در زندان خبر معجزه های عیسی را شنید، دوفتر از شاگردان خود رانزد او فرستاد تا از او بپرسند.
- ۳- « آیا تو همان مسیح موعود هستی، یا هنوز باید منتظر آمدن او باشیم؟ »
- ۴- عیسی در جواب ایشان فرمود: « نزد یحیی باز گردید و آنچه دیدید و شنیدید، برای او بیان کنید که
- ۵- چگونه نابینایان بینا میشوند، لنگ ها راه میروند، جذامی ها شفا می یابند، ناشنواها شنوا میگردند، مرده ها زنده میشوند و فقرا پیام نجاتبخش خدا را می شنوند. »
- ۶- سپس به او بگوئید: « خوشبحال کسی که بمن شك نکند. »

« خداوند لیریز از دلسوزی است برای شرایط وخیم مردم ایران، همانند گوسفندان بدون شبان. »

متی ۳۸-۳۵:۹

- ۳۵- در آن زمان، عیسی به تمام شهر ها و دهات آن منطقه رفته، در عبادتگاههای یهودتعلیم میداد و برقراری ملکوت خداوند را به مردم اعلام میکرد؛ او هر جا میرفت، امراض مردم را شفا می بخشید.
- ۳۶- دل او بشدت برای مردم میسوخت، زیرا مشکلات فراوان داشتند و نمیدانستند به کجا بروند و از چه کسی کمک بخواهند. آنها مانند گوسفندان بی چوپان بودند.
- ۳۷- عیسی به شاگردانش گفت: « محصول زیاد است، اما کارگر کم.
- ۳۸- پس از صاحب محصول تقاضا کنید تا برای جمع آوری محصول ، کارگران بیشتری بکار گیرد. »

متی ۳۰-۲۸:۱۱

- ۲۸- ای تمام کسانیکه زیر بوغ سنگین، زحمت می کشید، نزد من آیید من بشما آرامش خواهم داد.
- ۲۹ و ۳۰- بوغ مرا بدوش بکشید و بگذارید من شما را تعلیم دهم، چون من مهربان و فروتن هستم، و به جانهای شما راحتی خواهم بخشید زیرا باری که من بر دوش شما میگذارم، سبک است.

متی ۲۱-۱۵:۱۲

- ۱۵- اما عیسی از نقشه آنان باخبر بود. وقتی از کنیسه بیرون آمد، عده زیادی بدنبال او رفتند. او تمام بیماران ایشان را شفا بخشید؛
- ۱۶- ولی ایشان را قدغن فرمود تا درباره معجزات او با کسی سخن نگویند.

- ۱۷- واین در واقع، پیشگویی اشعیای نبی را به انجام رساند، که میفرماید:
 ۱۸- این است بنده من که او را برگزیده ام. او محبوب من است و مایه شادی من. من او را از روح خود پر میسازم تا قوم ها را داوری کند.
 ۱۹- نه می جنگد و نه فریاد می کشد، و نه صدایش را کسی می شنود.
 ۲۰- شخص ضعیف را از پا در نمیآورد و امید مردم را، هر قدر نیز که کوچک باشد از بین نمیبرد. با پیروزی خود، به تمام بی عدالتی ها خاتمه خواهد داد،
 ۲۱- و مایه امید تمام قوم ها خواهد بود.

« نگهداری خدا از گوسفندانش »

متی ۱۴-۱۲: ۱۸

- ۱۲- اگر مردی صد گوسفند داشته باشد، و یکی از گله دور بیفتد و گم شود، آن مرد چه می کند؟ آیا آن نود و نه گوسفند دیگر را در صحرا رها نمی کند تا بدنبال گوسفند گم شده اش برود؟
 ۱۳- بلی، او می رود و وقتی آنرا پیدا کرد، برای آن يك گوسفند بیشتر شاد میشود تا برای آن نود و نه گوسفند که جانشان در خطر نبوده است.
 ۱۴- بهمین ترتیب خواست پدر آسمانی من این نیست که حتی یکی از این کودکان از دست برود و هلاک شود.

« دید خدا نسبت به بخشش. »

متی ۲۱-۳۵: ۱۸

- ۲۱- در این موقع پطروس پیش آمد و پرسید « استاد، برادری را که بمن بدی میکند، چند مرتبه باید ببخشم؟ آیا هفت بار؟ »
 ۲۲- عیسی جواب داد: « نه، هفتاد مرتبه هفت بار! »
 ۲۳- « وقایع ملکوت خداوند مانند ماجرای آن پادشاهی است که تصمیم گرفت حسابهای خود را تصفیه کند.
 ۲۴- در جریان این کار، یکی از بدهکاران را به دربار آوردند که مبلغ هنگفتی به پادشاه بدهکار بود.
 ۲۵- اما چون پول نداشت که قرضش را بپردازد، پادشاه دستور داد در مقابل قرضش، او را با زن و فرزندان و تمام دارایی اش بفروشند.
 ۲۶- ولی آن مرد بر پاهای پادشاه افتاد و التماس کرد و گفت: « ای پادشاه استدعا دارم به من مهلت بدهید تا همه قرضم را تا به آخر تقدیم کنم. »
 ۲۷- پادشاه دلش بحال او سوخت. پس او را آزاد کرد و قرضش را بخشید.
 ۲۸- ولی وقتی این بدهکار از دربار پادشاه بیرون آمد، به سراغ همکارش رفت که فقط صد تومان از او طلب داشت. پس گوی او را فشرده و گفت: « زود باش و پولم را بده! »
 ۲۹- بدهکار بر پاهای او افتاد و التماس کرد: « خواهش میکنم مهلتی بمن بده تا تمام قرضت را پس بدهم.
 ۳۰- اما طلبکار راضی نشد و او را به زندان انداخت تا پولش را تمام و کمال بپردازد. »
 ۳۱- وقتی دوستان این شخص ماجرا را شنیدند، بسیار اندوهگین شدند و به حضور پادشاه رفته، تمام جریان را بعرض او رساندند.
 ۳۲- پادشاه بلافاصله آن مرد را خواست و به او فرمود: « ای ظالم بدجنس! من به خواهش تو آن قرض کلان را بخشیدم.
 ۳۳- آیا حقش نبود تو هم به این همکارت رحم میکردی، همانطور که من بتو رحم کردم؟ »
 ۳۴- پادشاه بسیار غضبناک شد و دستور داد او را بزندان بیاندازند و شکنجه دهند، و تا دینار آخر قرضش را نپرداخته آزادش نکنند.
 ۳۵- « بلی، و این چنین پدر آسمانی من با شما رفتار خواهد کرد اگر شما برادرتانرا از ته دل نبخشید. »

« محبت خدا به انسانها. »

یوحنا ۲۱-۱۶: ۳

- ۱۶- زیرا خدا بقدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است، تا هر کس به او ایمان آورد، هلاک نشود بلکه زندگی جاوید یابد.
 ۱۷- خدا فرزند خود را فرستاده است نه برای اینکه مردم را محکوم کند بلکه بوسیله او نجاتشان دهد.

- ۱۸- کسانی که به او ایمان بیاورند، هیچ نوع محکومیت و هلاکتی در انتظارشان نیست؛ ولی کسانی که به او ایمان نیاورند، از هم اکنون محکوم اند، چون به یگانه فرزند خدا ایمان نیاورده اند.
- ۱۹- محکومیت بی ایمانان به این دلیل است که نور از آسمان به این جهان آمد ولی مردم تاریکی را بیشتر از نور دوست دارند.
- ۲۰- مردم از نور آسمانی نفرت دارند، چون میخواهند در تاریکی، گناه کنند؛ پس به نور نزدیک نمی شوند، مبدا کارهای گناه آلودشان دیده شود و به سزای اعمالشان برسند.
- ۲۱- ولی درستکاران با شادی بسوی نور میآیند تا همه ببینند که آنچه می کنند، پسندیده خداست.

« خداوند نور است »

یوحنا ۱۹-۱۲: ۸

- ۱۲- عیسی در یکی از تعالیم خود، به مردم فرمود: « من نور جهان هستم، هر که مرا پیروی کند، در تاریکی نخواهد ماند، زیرا نور زنده راهش را روشن میکند.»
- ۱۳- فریسیان جواب دادند: « تو از خودت تعریف میکنی؛ تو دروغ میگویی.»
- ۱۴- عیسی فرمود: « من هرچه میگویم عین حقیقت است، حتی اگر درباره خودم باشد. چون میدانم از کجا آمده ام و به کجا باز میگردم، ولی شما این را نمی دانید.»
- ۱۵- شما بی آنکه چیزی درباره من بدانید قضاوت میکنید، ولی من اکنون درباره شما قضاوت نمیکنم.
- ۱۶- اگر نیز چنین کنم، قضاوت من کاملاً درست است، چون من تنها نیستم، بلکه « پدری » که مرا فرستاد، بامن است.
- ۱۷- مطابق شریعت شما، اگر دونفر درباره موضوعی شهادت دهند، شهادت ایشان بطور مسلم قابل قبول است.
- ۱۸- درباره من هم دونفر شهادت میدهند، یکی خودم و دیگری « پدرم » که مرا فرستاده.»
- ۱۹- پرسیدند: « پدرت کجاست؟»
- عیسی جواب داد: « شما که نمیدانید من کیستم، چگونه میخواهید پدرم را بشناسید؟ اگر مرا میشناختید، پدرم را نیز میشناختید.»

« خداوند کدام فرمان را بزرگترین میداند »

متی ۲۲: ۳۷-۳۹

- ۳۷- عیسی جواب داد: « خداوند را که خدای توست، باتمام قلب و جان و عقل خود دوست داشته باش.»
- ۳۸- این اولین و مهمترین دستور خداست. دومین دستور مهم نیز مانند اولی است.
- ۳۹- همسایه خود را دوست مدار، بهمان اندازه که خود را دوست میداری.

« توانایی خدا »

مرقس ۱۰: ۲۷

- ۲۷- عیسی نگاهی عمیق به ایشان کرد و فرمود: « ممکن است انسان نتواند این کار را بکند، ولی خدا میتواند.»

« شبان مهربان »

یوحنا ۲۹-۲۶ و ۱۰-۱۶: ۱۰

- ۱۰- کار دزد اینست که بدزدد، بکشد و نابود کند؛ اما من آمده ام تا بشما حیات واقعی را به فراوانی عطا نمایم.
- ۱۱- « من شبان خوب و دلسوزم. شبان خوب از جان خود می گذرد تا گوسفندان را از چنگال گرگها نجات دهد.»
- ۱۲- ولی کسی که مزدور است و شبان نیست، وقتی می بیند گرگ میآید، گوسفندان را گذاشته، فرار می کند، چون گوسفندان از آن او نیستند و او شبانشان نیست. آنگاه گرگ به گله میزند و گوسفندان را پراکنده میکند.
- ۱۳- مزدور میگریزد، چون برای مزد کار میکند و به فکر گوسفندان نیست.
- ۱۴- « من شبان خوب و مهربانم و گوسفندانم را می شناسم و آنها نیز مرا می شناسند.»
- ۱۵- درست همانطور که پدرم مرا میشناسد و من او را می شناسم من جان خود را در راه گوسفندان میدهم.
- ۱۶- من در آغلهای دیگر نیز گوسفندانی دارم؛ آنها را نیز باید بیاورم. آنگاه به صدای من توجه کرده، همه با

هم يك گله خواهند شد با يك شبان.
 ۲۷- اما شما به من ايمان نمی‌آورید، زیرا جزو گوسفندان من نیستید گوسفندان من صدای مرا می شناسند، من نیز ایشان را می شناسم و آنها بدنبال من می‌آیند.
 ۲۸- من به ایشان زندگی جاوید می بخشم تا هر گز هلاک نشوند. هیچکس نیز نمیتواند ایشانرا از دست من بگیرد.
 ۲۹- چون پدرم ایشان را به من داده است و او از همه قوی تر است؛ هیچ انسانی نمیتواند ایشان را از پدرم بگیرد.

«آزادی واقعی»

یوحنا ۳۶-۳۱: ۸

۳۱- پس عیسی به یهودیانی که بدو ايمان آوردند گفت: «اگر شما در کلام من بمانید در حقیقت شاگرد من خواهید شد.
 ۳۲- و حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد ساخت.»
 ۳۳- گفتند: «منظورت چیست که می‌گویی آزاد می شوی؟ ما که اسیر کسی نیستیم که آزاد شویم. ما فرزندان ابراهیم هستیم.»
 ۳۴- عیسی جواب داد: «هر يك از شما اسیر و بنده گناهیید.
 ۳۵- برده ها در خانه حقی ندارند، ولی تمام حق به پسر خانواده میرسد.
 ۳۶- پس اگر پسر شما را آزاد کند، در واقع آزادید.»

«آدم چطور راه، حقیقت و زندگی را پیدا می کند؟»

یوحنا ۶: ۱۴

۶- عیسی به او فرمود: «راه منم، راستی منم، زندگی منم. هیچ کس نمیتواند به خدا برسد مگر بوسیله من.

«خداوند پر از لطف، دلسوزی و بخشش است.»

زمانیکه عیسی در جُلُتَا (یعنی جمجمه سر) به صلیب کشیده می شد، دو دزد هم همزمان با او بودند. اولین دزد او را تمسخر کرد ولی دومین دزد گفت که عیسی بی گناه است و فهمید که عیسی کیست.

لوقا ۴۲-۳۵: ۲۳

۳۵- مردم ایستاده بودند و تماشا می کردند. سران قوم نیز ایستاده، به او می خندیدند و مسخره کنان می گفتند:
 «برای دیگران معجزات زیادی انجام داد؛ حال اگر واقعاً مسیح و برگزیده خداست، خود را نجات دهد!»
 ۳۶- سربازان نیز او را مسخره نموده، شراب ترشیده خود را باو تعارف می کردند،
 ۳۷- و می گفتند: «اگر تو پادشاه یهود هستی، خود را نجات بده!»
 ۳۸- بالای سر او، بر صلیب تخته ای کوبیدند که روی آن به زبانهای یونانی رومی و عبری نوشته شده بود:
 «اینست پادشاه یهود!»
 ۳۹- یکی از آن دو جنایتکار که در کنار عیسی مصلوب شده بود، به طعنه به او گفت: «اگر تو مسیح هستی، چرا خودت و ما را نجات نمیدی؟»
 ۴۰- اما آن دیگری، او را سرزنش کرد و گفت: «حتی در حال مرگ هم از خدا نمیترسی؟ ما حقمان است که بمیریم، چون گناهکاریم.
 ۴۱- اما از این شخص، يك خطا هم سر نزده است.
 ۴۲- سپس رو به عیسی کرد و گفت «ای عیسی، وقتی ملکوت خود را آغاز کردی، مرا هم بیاد آور.»

دزدی که در کنار مسیح بود انسان شروری بود. او هیچ کاری در مورد شرایطش نمیتوانست بکند، نمیتوانست زانو بزند، دستانش را به حالت دعا داشته باشد یا برود و از دیگران عذر خواهی کند. او بر روی صلیب بود و بزودی میخواست بمیرد. او به عیسی گفت: «ای عیسی، وقتی به ملکوت خود میروی مرا هم بیاد آور.»
 عیسی در جواب همان درخواست کوچک گفت: «خاطر جمع باش که تو همین امروز با من در بهشت خواهی بود.» این لطف خداست. بدون اینکه لیاقتش را داشته باشد، آن دزد نجات و زندگی جاویدان یافت. این طبیعت

خدای ماست. من مثل جالبی در مورد لطف شنیدم که میخواهم برای تو تعریف کنم. فرض کنیم که آدم یگانه فرزندی دارد و او کشته می شود. آن مرد سه امکان انتخاب دارد. او میتواند قاتل را بکشد که این **انتقام** می شود. او میتواند قاتل را بدست قانون بسپارد. که این **عدالت** است. یا اینکه قاتل را ببخشد، او را بفرزندی قبول کند و جای پسرش را باو بدهد که این **لطف** است. اینکار را خدا برای من و تو انجام داده است.

مزامیر ۵-۱: ۱۰۰

- ۱- ای ساکنان روی زمین در حضور خداوند فریاد شادمانی سر دهید!
- ۲- خداوند را با شادی عبادت کنید و سرود خوانان به حضور او بیايید.
- ۳- بدانید که او خداست. او خالق ماست و ما قوم او هستیم و گوسفندان چراگاه او.
- ۴- با شکرگزاری از دروازه های خانه او داخل شوید؛ سرود خوانان به صحنهای او بیايید. او را پرستش کنید و نام مقدسش را گرامی بدارید.
- ۵- خداوند نیکوست و رحمت و امانتش را انتهای نیست.

نتیجه:

ما این لیست صفات و ذات خدا را میتوانیم خیلی طولانی کنیم در اینجا تعلیم و صفات خداوند را باتمام میرسانیم. کتاب مقدس (انجیل) میگوید که شناختن او حیات جاویدان است.

یوحنا ۳: ۱۷

۳ - و زندگی جاوید از این راه بدست میآید که تو را که خدای واقعی و بی نظیر هستی و عیسی مسیح را که به این جهان فرستاده ای، بشناسند.

اگر می خواهی می توانی این سئوالها را جواب بدهی و برای ما پست الکترونیکی (E mail) کنی. ما بعد امتحان راصحیح می کنیم و با خبرت می کنیم که نتیجه ات چطور بود. تو بعد از اینکه تمام مطالب مدرسه انجیل را با نتیجه خوب (حداقل ۸۰٪درست) گذراندی، از ما يك مدرک دریافت می کنی که دوره اول را گذرانده ای و از عهده تمام امتحانات برآمدی.

با درود:

کشیش و شبان تو

امتحان
(شخصیت و صفات خدا)

۱- آیا ما میتوانیم ۱۰۰٪ درك کنیم که خدا چگونه است؟

بله

خیر

۲- آیا هر چیزی را که ما در انجیل در مورد خدا می خوانیم، در مورد اوست؟

بله

خیر

۳- آیا خدا قول داده است که عیلام (ایران) را در روزهای آینده آزاد کند؟

بله

خیر

۴- خدا بیش از هر چیز چیست؟

محبت

قاضی

خالق

۵- خدا کی بدنیا آمد؟

در آغاز آفرینش

او همیشه وجود داشته است.

۶- حداقل سه نامی که خدا بخودش داده است بنویس.

.....
۷- آیا حیات و خدمت عیسی بما نشان میدهد، خدا کیست؟

بله

خیر

۸- آدم چطور عیسی مسیح را بعنوان نجات دهنده شخصی خود می پذیرد؟ (به تو ضیحات دیگر این سایت اینترنتی نگاه کن.)
جواب

.....

.....

.....

۹- آیا تو خودت عیسی مسیح را بعنوان نجات دهنده شخصی خود پذیرفتی؟

بله

خیر